

سیر تحول برنامه تحصیلی از مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه

محمود طاهر احمدی

فعالتهای آموزشی قرار گرفت، و برنامه از جمله پایه‌های اصلی تعلیم و تربیت به شمار رفت. این برنامه در حقیقت «ساختاری است که تجارب یادگیری را سازمان داده، آموزش و یادگیری دانش‌آموزان را میسر می‌سازد. برنامه را نظام آموزشی تهیه و تنظیم می‌کند تا برای نیل به هدفهای آموزشی خاص مورد استفاده قرار گیرد»^(۱) از این رو به لحاظ کاربردی همواره برنامه در دو مفهوم به کار می‌رود: یکی تنظیم جدول زمانی دروسهای هفتگی برای هر کلاس. دو دیگر تعیین مواد درسی و سرفصلهای مطالبی که باید در هر کلاس و در وقتی معلوم تدریس شود.^(۲)

اما در ایران، دستگاه تعلیم و تربیت پیوسته همان بود که از پیش بود. پدران و مادران کودکان خود را درگیر و دار زندگی روزمره تربیت می‌کردند و راه و رسم زندگی و آداب کسب و کار و زراعت را به آنان می‌آموختند. در عین حال طبقات متوسط شهری و بعضاً روستایی کودکان خود را به مکتب می‌سپردند تا با سواد شوند.^(۳) هدفهای کلی آموزش مکتب‌خانه‌ای توانایی در خواندن بود و نوشتن به انضمام آموزش دین و اخلاق. برنامه مکتب نیز همیشه، آموزش الفبا بود و قرائت قرآن و آشنایی با اصول و فروع دین، حساب کردن و خواندن کتابهایی مانند پندنامه شیخ عطار، موش و گربه عبیدزاکانی، مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی، گلستان و بوستان سعدی و ...

جنبش مشروطه خواهی در ایران، که خود سرآغاز دگرگونیهای اساسی در جامعه گردید، سبب شد تا آموزش و پرورش نوین به منابه یکی از مهم‌ترین شاخصهای دوران‌گذار تلقی شود. گو این که زمینه‌های پیدایش نظام نوین تعلیم و تربیت در ایران از پیش فراهم شده بود و بذر آن با نهضت نواحی و نوگرایی روزگار عباس میرزا به زمین پاشیده شده بود، اما سالها طول کشید تا آن نهال سر از خاک برآورده تناور گردد و به بار نشیند. افتتاح دارالفنون در ۱۲۶۸ ق. و تاسیس وزارت علوم در ۱۲۷۲ ق.

دستاوردهای شگرف و شگفت‌انگیز حاصل از تکاپوی همه سویه انسان خردگرای روزگار نو، بنیاد بیشتر نهادهای سستی را در دو سده اخیر چنان به هم ریخت که استمرار زندگی اجتماعی مردمان و بهبود روابط جمعی، شیوه‌هایی دگر طلب کرد. از جمله به سبب روند پرشتاب پیشرفتهای علمی و نوآوریهای صنعتی، دگر شدن شهرها و افزایش روزافزون شهرنشینان، پیدایش پیشه‌ها و مهارتهای نوین؛ آموزش و پرورش عمومی، یعنی فرایند جامعه‌پذیری اعضای جدید جامعه نیز دستخوش تحول بنیادین گردید. برای همین از واپسین دهه‌های سده نوزدهم، کوششهایی به انجام رسید تا تعلیم و تربیت، بیشتر با زندگی واقعی پیوند یابد و افزون بر پرورش حیطه شناختی به پرورش حیطه‌های عاطفی و روان حرکتی دانش‌آموزان نیز رویکردی جدی شود. جنبش آموزش و پرورش برای زیستن، نتیجه تلاشهای فکری و تجارب آزمایشی فرزانه‌گانی همچون جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲)، فیلسوف تربیتی امریکا بود. دیویی آموزش و پرورش را فعالیتی جدا از زندگی نمی‌دانست و بر این باور بود که فرایند یادگیری باید مانند زندگی در عمل به انجام رسد. از سوی دیگر، گسترش دموکراسی و نهادینه شدن آن، رشد و توسعه روزافزون اقتصادی تمدن بورژوازی و نیاز وافر کشورهای غربی به نیروهای کیفی ماهر، درستی دیدگاههای نوین را دربارہ یادگیری آشکار کرد و سوادآموزی از سطح توانایی خواندن و نوشتن فراتر رفت. بدین قرار قوانین آموزش اجباری در برخی از کشورها به تصویب رسید و آموزش و پرورش رسمی رفته رفته شکل گرفت و نقش نظارتی دولتها بر سازمان آموزش و پرورش بدیهی جلوه کرد. با افزایش شمار آموزشگاهها و گسترش و تنوع خدمات آموزشی، هدفمند کردن آموزش و پرورش براساس هدفهای کلی جامعه‌ها، جلوه‌ای خاص یافت. بدین سان برای دستیابی به هدفهای کلی آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی در سرلوحه

نخستین میوه‌های شیرین، اما ناپایدار آن درخت معرفت بود که دوباره، با توانی بیشتر در مشروطیت رخ نمود و دستگاه تعلیم و تربیت سنتی را کم‌کم در محاق فرو برد.

اصل نوزدهم متمم قانون اساسی بی‌پرده به همگان آگاهی داد: «تامین مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.» این اصل نظارت بر نظام آموزشی را بر عهده دولت نهاد و اداره امور آن را به سازمانی متمرکز، یعنی وزارت علوم واگذار نمود. با این همه هنوز بیشتر اطفال در مکتب‌خانه تحصیل می‌کردند، اما دیری نپایید که مدرسه‌سازی به شیوه جدید گسترش چشمگیر یافت و دولت نیز ناچار شد برای آن قرار و قانونی برپا کند. از این رو سه سال پس از مشروطه، یعنی در سال ۱۳۲۷ ق / ۱۲۸۸ ش. نخستین برنامه تعلیمات مدارس ابتدایی و سه ساله متوسطه، که از سوی وزارت معارف تدوین شده بود، به تصویب رسید. سال بعد رسیدگی به امور تمام مدارس و تعلیمات مملکت به جانشین وزارت علوم، یعنی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سپرده شد و بودجه آن به ۱۱۹۱۵۴۰ قران رسید.^(۴) در ذیقعدة ۱۳۲۹ ق / آبان ۱۲۹۰ ش. قانون اساسی فرهنگ در ۲۸ ماده به تصویب رسید. در این قانون افزون بر این که «تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری» گردید، همگان نیز «مکلف» شدند «اطفال خود را از سن ۷ به تحصیل معلومات ابتدایی و اداره» کنند.

در ماده دوم نیز تصریح شد «پرگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پرگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نمای بدنی محفوظ باشد.» در ماده چهارم بر لزوم پیروی از برنامه معارف پای فشرد و اعلام کرد: «طریق تحصیل آزاد است؛ لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدایی معین نموده تحصیل کند.» در سه ماده دیگر نیز حدود برنامه آموزشی و مسئول اجرای آن به شرح زیر تعیین گردید.

ماده چهارده - «وزارت معارف باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه‌ای نباید تدریس بشود.»

ماده شانزدهم - «هر یک از مکاتب و مدارس ... پرگرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پرگرام است.»

ماده هفده - پرگرام مکاتب و مدارس ابتدایی و متوسط باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد.^(۵)

با وجود این گویا بعضی از مدارس به برنامه وزارت معارف ارجحی نمی‌نهادند و از برنامه خود ساخته خویش پیروی می‌کردند. از این رو در غره محرم ۱۳۳۰ ق / ۱۲۹۱ ش. از سوی «رئیس کل تعلیمات عمومی وزارت معارف» بخشنامه‌ای با عنوان «اخطار مهم به عموم مدیران مدارس» فرستاده شد و در آغاز آن به فلسفه برنامه‌ریزی آموزشی چنین اشاره شد: «از روزی که مملکت ایران خواسته است در تعداد ملل متعده مشی نماید، بنا به قانون تصویب شده مجلس شورای ملی، وزارت علوم برای این که ترتیب تحصیلات در حکم واحد باشد، پرگرامی به طبع رسانیده ...» [سند شماره ۱]

این که در اخطار اداره تعلیمات «ترتیب تحصیلات در حکم واحد» را

نشانه این دانسته که «مملکت ایران خواسته است در تعداد ملل متعده مشی نماید.» در حقیقت اشاره به همان خواستی است که اصلاحات عصر ناصری پیامد آن بود، و پس از مشروطه در اصلاحات دوره پهلوی اول مجال ظهور یافت. مهم‌ترین عواملی که به بروز این خواسته منجر شد، عبارت بودند از: ارتباط با مغرب زمین و آشنایی با تمدن انسان‌مدار و دنیاگرایانه غرب. به هم ریختن نظام اشرافی و ظهور لایه‌های جدید اجتماعی. ایجاد حس ملیت و گرایش به وحدت ملی. برقراری حکومت مرکزی و گرایش به مشارکت صلح‌آمیز مردم در سرنوشت سیاسی خویش از طریق انتخابات مجلس شورا و انجمنهای ایالتی و ولایتی. نیاز روزافزون دستگاه دیوان سالاری دولت به افراد تحصیل کرده و ...

انگیزه‌هایی این چنین که نظام سنتی آموزش به هیچ روی توان پاسخ‌گویی به آنها را نداشت، سبب شد تا روش تعلیم و تربیت به کلی دگرگون شود. برای همین از آن پس دولت مشروطه می‌بایست در برابر آموزش همگانی پاسخگو باشد و تامین بخش عمده‌ای از هزینه آن را برعهده گیرد. از سوی دیگر هر دم بر قانون‌مندی و تاکید بر اجرای برنامه معارف پای می‌فشرد و حتی «اتباع خارجه» را که در ایران، دست‌اندرکار ساخت‌وساز و اداره مدارس بودند، وادار می‌کرد از قانون و برنامه دولت پیروی کنند.

در ۲۳ میزان [مهر] ۱۳۳۴ ق / ۱۲۹۵ ش. در نامه‌ای از وزارت معارف به وزارت امور خارجه آمده است: «چون تاکنون اتباع خارجه که در ایران تاسیس مدرسه می‌نمودند به طوری که باید پرگرام وزارت معارف را رعایت نمی‌کردند، وزارت معارف شروطی برای این کار تهیه نموده که صدور امتیاز موقوف به رعایت آن خواهد بود.» پس از آن در ۲۵ میزان «شروط صدور امتیاز» را برشمرده و به آگاهی رساند:

۱- دروس فارسی و تحصیلات ایرانی را باید مقدم به تحصیلات خارجه بدارد و مواد پرگرام فارسی و تعلیمات مملکتی را عیناً از روی پرگرام وزارت معارف اجرا نماید.

۲- مواد پرگرام تحصیلات آن جا باید مطابق پرگرام ابتدایی وزارت معارف باشد.

۳- تدریس دروس مذهبی را به استثنای شرعیات اسلامی که در پرگرام قید شده باید به کلی ممنوع بدانند.

۴- کلیه محصلین یا محصلات آن جا اعم از اتباع داخله و خارجه باید زبان ایرانی را تحصیل نمایند.

۵- در هر موقع موسس و مدیر باید مطیع مقررات وزارت معارف باشد.^(۶)

ابرام و اصرار بر اجرای برنامه، گذشته از گرایش به قانون‌مندی و بازداری از هرج و مرج فرهنگی، آن گونه که بر کتابهای درسی حاکم بود، نشانه بارزی است از چیرگی برنامه بر نظام آموزشی. توضیح این که در هر دوره و زمانی، یکی از چهار پایه اصلی آموزش و پرورش، یعنی برنامه، کتاب، معلم و دانش‌آموز بر سه رکن دیگر پیشی می‌گرفت و سازمان آموزش و پرورش را زیر نفوذ خود قرار می‌داد.

روزگاری بس دراز در مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های علمی، کتاب چیرگی تام و تمام داشت و هیچ کس در درستی و شایستگی آن تردید به خود راه نمی‌داد. داستان آن گروه از طالبان علم که در پی فهم تعداد دندانهای اسب

۱۵ مرداد ۱۳۰۶ به تصویب رسید» و در همان سال «از اول افتتاح مدارس به موقع اجرا گذاشته»^(۱۱) شد.

جدول زیر «صورت تقسیم دروس در هفته» را چنین نشان می‌دهد: در برنامه تفصیلی، سرفصلهای هر ماده درسی، نشان می‌دهد برنامه‌ریزان هنوز از برنامه درسی مکتب‌خانه‌ها رها نشده و با یافته‌های علوم نوپای تربیتی آشنا نشده‌اند. گویی در تنظیم برنامه تعلیمات شش ساله ابتدایی نگاهشان به این اصل معطوف بود که هر چه شمار مواد درسی و نیز حجم مطلب بیشتر باشد، دستیابی به اهداف آموزشی آسان‌تر به انجام خواهد رسید. به طور کلی از دیرباز فلسفه تعلیم و تربیت در ایران بر این بنیاد استوار شده بود که کودک بزرگسالی است کوچک با تواناییهای شگرفی در آموختن. بر این اساس باید تا آن جا که امکان دارد ذهن این بزرگسالان کوچک را با آن چه در بزرگی به کارشان می‌آید انباشت. این دعوی را تمهید منسوب به بزرجمهر بر کتاب کلیله و دمنه آشکارا تایید می‌کند. در آن تمهید، بزرجمهر انبان محفوظات احداث متعلمان (نوآموزان) را به گنج شایگانی مانند می‌کند که صاحبش در آینده از نعمت ذخایر نفیس نهفته در آن بهره‌ها خواهد برد.^(۱۲)

ویژگی دیگر این برنامه برتری آن بر دیگر پایه‌های تعلیم و تربیت است. هر چند در عمل ترکیبی از برنامه مداری و معلم سالاری متجلی می‌شود؛ زیرا در «تعلیمات سال اول، سوای فارسی که کتاب الفبا و قرائت

به جای شماره کردن دندانهای اسبی که در آخور مدرسه بسته شده بود به زیر و رو کردن کتابهای پیشینیان پرداختند، تصویر روشنی است از حکومت کتاب بر امر آموزش. گو این که امروز دوران فرمانروایی معلم و کتاب و برنامه به سرآمده و روزگار، روزگار حکومت دانش آموز است.

از سال ۱۲۹۷ ش. پیشرفتهای شایان دیگری در معارف ایران رخ داد و تعلیم و تربیت بر پایه‌های استوارتری نهاده شد. نخستین گام، بنیاد دو مدرسه عالی دارالمعلمین و دارالمعلمیات^(۷) بود که راه تربیت معلم به شیوه علمی راهموار کرد. در همین سال با بهره‌گیری از عواید املاک اربابی تعدادی مدرسه ابتدایی در سراسر ایران ساخته شد و بودجه معارف به ۲۶۰۹۳۶۸ قران رسید. پس از آن سالنامه وزارت معارف به چاپ رسید و شعبه علمی و ادبی مدارس متوسطه از یک دیگر جدا شد.^(۸) در ۱۲۹۸ ش. نخستین مجله آموزشی - فنی وزارت معارف به نام «اصول تعلیمات» منتشر شد و سال بعد در شکلی تازه و با نام «اصول تعلیم» به مدیریت ابوالحسن فروغی به انتشار خود ادامه داد.^(۹)

پایه‌های این دگرگونیها، گسترش کمی مدارس همچنان ادامه داشت و بر شمار شاگردان دائماً افزوده می‌شد. به طوری که در آستانه حکومت رضاشاه یعنی در سال تحصیلی ۱۳۰۳-۱۳۰۴ شمار مدارس به ۲۳۳۶ و تعداد دانش‌آموزان به ۱۰۸۹۵۹ تن بالغ گشت.^(۱۰) از آن پس تلاشهای درخوری برای گسترش آموزش نوین به عمل آمد و اصلاحات مهمی در برنامه تعلیمات مدارس به انجام رسید. به نظر می‌رسد نخستین برنامه مدون در دوره حاکمیت پهلوی اول همان «دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی» باشد که «در هشتاد و ششمین جلسه شورای عالی معارف مورخه

مؤلف	
قران	
قرابت‌های	
دست‌نویس	
مکتبه	
مشق خط	
شعرهای	
انجمن	
علم‌الایمان	
سفرنامه	
تاریخ	
شماره	
مدرسین	
تعلیمات	
مدرسی	
دروس	
سیاق	
حجم	

لازم دارد» و همچنین «تعلیمات سال دوم سوای قرآن و قرائت فارسی» بقیه درسها «همه شفاهی است» و معلم باید با به کارگیری روش سخن رانی «مواد مذکوره پرگرام را ... در ضمن مذاکرات و صحبت شفاهی به اطفال» بیاموزد.

دیگر این که چون برنامه تحصیلی در هر دوره‌ای براساس هدفهای اصلی آموزش و پرورش تدوین می‌یابد، می‌توان با مرور این برنامه هدفهای کلی تعلیم و تربیت را در آن هنگام چنین برشمرد:

۱- پرورش اخلاقی: هدف از آن توجه به ارزشهای پذیرفته جامعه و تربیت شهروند، احترام به پدر و مادر و دست‌اندرکاران مدرسه است. افزون بر این کودک باید بتواند در برقراری روابط سامان یافته اجتماعی و تعامل با دیگران کامیاب شود. مطالب اخلاقی در کتاب قرائت فارسی کلاسهای اول تا چهارم «مطابق متن پرگرام در ضمن حکایات و قطعات با رعایت سهولت و اشکال» به شرح زیر آمده است:

سال اول - «مذمت دروغگویی، بیان مضرات بی‌ادبی، وظیفه طفل نسبت به پدر و مادر و اعضای خانواده و محبت به ایشان، تکلیف طفل نسبت به اولیای مدرسه، محسنات راستی و درستی، تنفر از تنبلی و بی‌کاری، بیان آداب معاشرت و اکل و شرب».

سال دوم - «تنفر از عیبجویی و عیبجویی، فواید عفو و اغماض، محسنات خوشرویی و خوش خلقی، مضرات تندلی و درشتی و مردم‌آزاری، اذیت نکردن حیوانات بی‌آزار».

سال سوم - «قصص و روایات ساده راجع به انبیای اولوالعزم و ائمه هدی، حکایات ساده از احوال حکما و دانشمندان و سلاطین و ادبا که حاوی مطالب اخلاقی ذیل باشد، وظایف انسان راجع به خدای متعال، جوانمردی و فرومایگی، حسن خلق و سوء خلق، شجاعت و جبن، تواضع و تکبر، صدق و کذب، قناعت و اسراف، عدل و ظلم، عفو و انتقام، امانت و خیانت، آداب معاشرت و حب و وطن».

سال چهارم - «مختصری از فواید مشروطیت و مضار استبداد، آزادی و فرق آن با خودسری، نظام هیأت اجتماعی، مضرات بی‌نظمی، قانون و لزوم اطاعت آن، بیان تعاون، اخوت، رعایت زیردستان، تنفر از شیادی و چاپلوسی، عفت و پرهیزگاری، حسد و بخل، کتمان سر، حفظ شرف و آبرو، وفا به عهد، خلف وعده، حفظ قول و امضا، احتراز از خودپسندی، ثنات و خست، اتفاق، نفاق، احسان، ترحم، اتهام، افترا، فواید شغل و کار مشروع، مضار تنبلی و بی‌کاری و یاس».

از سال پنجم به بعد، اخلاق از قرائت فارسی جدا می‌شود و خود عنوان درسی مستقل می‌گردد. سرفصلهای درس اخلاق در سال پنجم چنین است: «وظایف انسان نسبت به باری تعالی، تکالیف و وظایف نسبت به خود، تعلیمات درخصوص رفتار طفل در خانواده، وظایف راجعه به

وطن در هیأت بشریه، تعلیمات درخصوص رفتار طفل نسبت به خدمه و زیردستان، پرهیزکاری، سربوشتی، شرافت، عدالت، نجابت، سخاوت، امانت، مضرات خشم و غضب، تکالیف والدین نسبت به اولاد، تکالیف متبادله برادران و خواهران، تکالیف نسبت به آموزگار، تکالیف نسبت به رفقای مدرسه، تحصیل علم و لزوم مداومت در آن، آداب معاشرت».

سال ششم - «مواد سال قبل به اضافه، معنی تکلیف و تعلق آن به شخص عاقل، تکالیف اجتماعی، فداکاری در راه دین و شرف و وطن، رعایت اطاعت قوانین، رعایت آزادی دیگران، انصاف، وفا به عهد، اهمیت قول و امضا، ثبات رای، مضرات تردید، عیوب تکاهل و اهمال، قدر و قیمت وقت و زمان، احتراز از معاشرت با بدان، معاشرت با دانشمندان و نیکان، ابراز لیاقت، مدافعه از حقوق، حفظ شرف و آبرو، احترامات دیگران، احتراز از تفتین و چاپلوسی».

۲- تقویت حس دینی و ایمان مذهبی - چنان که گذشت مطالب اخلاقی، همه از اخلاق اسلامی یا مفاهیم اخلاقی فرادینی که اسلام نیز آنها را پذیرفته، برگرفته شده است. از این رو آموزه‌های اسلامی درباره رفتار فردی و جمعی در متن درس فارسی قرار داشت. با وجود این آموزش روخوانی قرآن و شرعیات، عنوانهای دو درس جداگانه در برنامه بود.

آموزش قرآن که از سال دوم آغاز می‌شد، بی‌کم و کاست همان برنامه مکتب‌خانه‌ها بود. سال دوم «قرائت یک جزو آخر» سال سوم «قرائت ده جزو آخر» سال چهارم «قرائت آن به تمامه» سال پنجم و ششم «قرائت با تجوید».

شرعیات

سال اول: «آداب نماز، اطاعت خدا و پیغمبر، ثواب و گناه»
سال دوم: «اصول دین و مذهب با معانی اجمالی آنها، شماره عبادات از فروع دین، نجاسات، مظهرات، ترتیب وضو، مقدمات نماز و ترتیب به جا آوردن آن» البته معلم می‌بایست «عملاً وضو را تعلیم» داده و حتی «در موقع تدریس نماز، دقت نموده به جا آوردن نماز را به هر یک از شاگردان تعلیم دهد».

سال سوم: «اصول دین و مذهب با بعضی ادله اجمالی آنها که در خور فهم اطفال باشد، شماره عبادات از فروع دین با بیان اجمالی آنها، ذکر بعضی از معاصی کبیره از قبیل قتل، سرقت، شرب خمر و سایر مسکرات، غیبت و تمامی، دروغ و تهمت و توضیح قبح این معاصی در ضمن بیانات و تمثیلات نزدیک به فهم اطفال».

سال چهارم - «اصول دین، شامل موارد سال قبل به اضافه صفات ثبوتیه و سلبیه با معانی آنها» و فروع دین شامل «بیان مختصر از سال قبل از فروع هشتگانه» به اضافه معاصی «قمار، تهمت، شهادت دروغ، کتمان شهادت،

قدری مفصل تر»

در درس فارسی و برنامه پرحجم و سنگین آن برنامه ریزان علاوه بر آموزش فارسی به اهداف زیر نیز نظر داشته اند:

الف - آموزش گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن از راه «کتابت عبارات مأخوذه از دروس به طریق رونویسی» و در سال سوم و چهارم «کتابت مطالب ساده از خارج، انشاء موضوعات سهل و آسان» و در سال پنجم «دستور زبان فارسی، تمرین نثر کردن بعضی نظمهای مفید، انشا از قبیل ساده کردن حکایات و نوشتن مراسلات ساده و شرح بعضی موضوعات سهل و آسان، حفظ بعضی از قطعات و نویسانیدن (دیگته) و مشق تکلم به واسطه سوالات از دروس خوانده شده»

ب - پرورش جسمانی، بهداشت و مراقبت از خود.

ج - برقراری روابط اجتماعی با دیگران.

د - قدردانی از خدمات دانشمندان بزرگ ایران و جهان.

ه - شناخت قوانین و مقررات اجتماعی.

و - آشنایی با طبیعت و محیط زیست.

۴- شناخت قوانین علمی و پی بردن به رابطه علمی میان

پدیده های طبیعی - برای دستیابی به این هدف چنان که در پیش گذشت از درس فارسی استفاده شایان گرفته شد. با این همه از سال پنجم با گنجاندن درس علم الاشیاء و حفظ الصحه به گونه ای گسترده و روشمند به آن پرداخته شد، بی آن که دانش آموزان به روشنی با روش علمی آشنا شوند. سرفصلهای این درس که همه درباره «طبقات حیوانات و نباتات و اطلاعات مختصر راجع به فلاح و باغبانی، طرز تکثیر نباتات، اقسام عمده پیوند، تعریف جنگل و مزرعه ... چشمه و رودخانه ...» است گویا با توجه به بافت روستایی جامعه ایران نوشته شده بود تا دانش آموزان به طریق علمی با این گونه پدیده ها آشنا شوند.

پاره ای از دستاوردهای علوم جدید نیز همچون «میزان الحرارة، الکتريسته، ماشین بخار، تلگراف، تلفن و ...» در دو قسمت فیزیک و شیمی این درس آمده است.

۵ - آشنایی با پیشینه تاریخی و باستانی ایران - برای رسیدن

به این هدف علاوه بر آن چه در قرائت فارسی نوشته شده بود از سال سوم درس تاریخ نیز تدریس می شد. در این درس، عناوین و مطالب بسیار گسترده است و مرز میان افسانه و تاریخ درهم نور دیده شده. از این رو «سلسله کیان و سیروس» در کنار «داریوش، ظهور اسلام تا خلافت مامون» تدریس می شد.

سال پنجم - «اصول دین و مذهب با معانی و دلایل اجمالی آنها» و فروع دین شامل «طهارت و لزوم آن، اقسام نمازهای واجب و ترتیب به جا آوردن آنها» شرایط و وجوب صوم، صلوات، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، شماره مکاسب محلله و محرمه، ذکر معاصی کبیره از قبیل شرک، فرار از جهاد، غیبت، سوگند به دروغ و تفریط مال یتیم»

سال ششم - «اصول و فروع، مراجعه به مواد سال قبل و اشاره اجمالی به حکمت هر یک از عبادات خاصه جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، حب اهل بیت، بیان تقلید و لزوم آن، ذکر معاصی کبیره از قبیل یاس از رحمت خدا، قتل نفس، کذب، عاق والدین، غصب مال غیر، قطع صلح رحم، کم فروشی، اعانت به ظالم در ظلم، ترک عبادات واجب، هجو کردن مردمان و ترک عفت»

۳- آموزش زبان مادری - آموزش فارسی در کلاس اول از «حروف

مفردة و ترکیبات دو حرفی و سه حرفی و عبارات بسیار سهل» آغاز می شد و با «قطعات منظومه بسیار آسان و حکایات ساده مختصر» درباره مفاهیم اخلاقی و «اطلاعات بسیار ساده راجع به بدن انسان ... و نصایح ساده و مختصر در فواید پاکیزگی» ادامه می یافت.

سال دوم - «قرائت قطعات نظم و نثر بسیار ساده و متعارف با توجه به معانی آنها به طوری که نزدیک به فهم اطفال باشد، حکایات و قطعات راجع به مطالبی» درباره اخلاق، علوم تجربی و مضرات استعمال مسکرات و دخانیات مخصوصاً تریاک»

سال سوم - «قرائت قطعات نثر و نظم ساده با توجه به معانی لغات» درباره «آثار طبیعی ... زندگی» انبیا و ائمه هدی و احوال دانشمندان و سلاطین و ادبا ... و اطلاعات ساده از بدن انسان ... و حیوانات عمده ... و میوه جات ... و احجار ساختمانی و حالات ثلاثه اجسام ... و اغذیه و اشربه مضره و منزل و شرایط محل سکنی»

سال چهارم - «قرائت قطعات نثر و نظم ادبی و اخلاقی، منشآت ساده، تحریرات مختلفه متداوله، مطالب تاریخ و جغرافیایی، اطلاعات مفیده در امور راجعه به ملاح و تجارت و صناعت ... و مشروطه و استبداد و بیان تعاون ... و اطلاعات ساده از بدن انسان ... زمین، سیارات، هوا ... گاز، نفت، شوکلا، کاکائو، فلزات، وسایل حرکت ... و حفظ الصحه ... نظافت لباس و بدن ...»

سال پنجم - «قطعات نثر و نظم ادبی و اخلاقی، شرح حال مختصرین بزرگ، ذکری از مشاهیر رجال عالم ... دانشمندان بزرگ ایران، شرح حال سیاحان بزرگ ...»



طبیعی و سیاسی عالم ... جغرافیای ایران قدری مفصل تر از سال قبل»
 سال پنجم - «جغرافیای عمومی قدری مفصل تر از سال قبل با ترسیم
 نقشه و جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی ایران با ترسیم نقشه»
 سال ششم - «مراجعه و تکمیل مواد جغرافیای عمومی ایران سال قبل»

۷- پی بردن به روابط کمی - آموزش روابط کمی ریاضی در دو درس
 حساب و هندسه گنجانیده شد که ضمن آن آشنایی با وسایل سنجش و
 اندازه گیری را هم در برداشت.

سال اول: «اصول اولیه، شماره لفظی و خطی تا صد»

سال دوم: «اصول شماره لفظی و خطی تا هزار و تقسیم آن به آحاد و
 عشرات و مات، جمع و تفریق، ضرب ... و مقیاسات طول و وزن و نمود
 در ایران و طریقه تشخیص ساعت»

سال سوم: «شماره لفظی و خطی تا طبقه چهارم اعداد، چهار عمل
 اصلی، مقیاسات متداوله ایران و مقیاسات جدید»

از همین سال آموزش سیاق نیز جزو برنامه قرار گرفت و تا سال ششم
 تدریس می شد. حساب سال چهارم - «تکرار و تکمیل مواد سال قبل به
 اضافه چهار عمل اعشار و تعریف کسر متعارفی و بیان کسور تسعه، اصول

تاریخ سال چهارم از سال پیش از خود گسترده تر بود و از «صفاریان تا
 انقراض قاجاریه و سلطنت پهلوی» را در بر می گرفت.

در سال پنجم و ششم این مطالب بیش از پیش تفصیل یافت و دامنه اش
 از هخامنشیان تا ظهور اسلام و سیره نبوی و ائمه هدی و پس از آن از
 سلسله های ایرانی و ترک تا انقلاب مشروطه و تاسیس سلسله پهلوی
 گسترش یافت. در ضمن این فصلها «تاریخ مصر و کلدیه و آشور ... و
 جنگهای صلیبی ... استیلای مغول و تشکیل دولت عثمانی، اکتشافات
 جغرافیایی ... مداخله انگلیس در هندوستان، انقلاب کبیر فرانسه، تمدن
 جدید و جنگ بین المللی» نیز به اختصار تدریس می شد.

۶- شناخت ویژگیهای اقلیمی ایران و جهان در درس جغرافیا -

درس جغرافیا از سال دوم در برنامه قرار گرفت که مباحث آن درباره
 «جغرافیای عمومی» بود. در سال سوم «تعریف مملکت و ایالت ... و
 دهکده» بر آن افزوده شد. «همچنین ممالک دیگر با ذکر پایتختهای آنها، ...
 و جغرافیای ایران مشتمل بر ذکر بزرگترین جبال و مهمترین رودها و
 معتبرترین شهرها ... و محصولات طبیعی و مصنوعی به اختصار»

سال چهارم - «جغرافیای عمومی - اصطلاحات جغرافیایی، جغرافیای

مقیاسات ایران و مسایل و تمرینات شفاهی و کتبی.»

سال پنجم - قابلیت تقسیم اعداد ... کسر متعارفی ... رفع، تحنيس ...
تحويل کسر متعارفی به اعشاری ... نسبت و تناسب ... مراجعه به مقیاسات
ایران و سلسله متری، حل مسایل فکری و تمرینات.»

سال ششم - تکمیل مواد سال قبل، تناسب مرکب، ریح مفرد ... تهیم
به نسبت و مشارکت و اختلاط و امتزاج، مسایل و تمرینات ... مشق
نگاهداری حساب جمع و خرج ماهانه به طریق دفترداری در ضمن حل
مسایل.»

هندسه:

سال چهارم: «اطلاعات عمده و تشخیص اشکال هندسی.»

سال پنجم: «مساحت اشکال مسطحه ... مسایل و تمرینات کتبی و شفاهی.»
سال ششم: «تعریف و مساحت احجام منشور، هرم، استوانه، مخروط
و کره و مسایل و تمرینات.»

۸- پرورش جسمانی - برای علاقمند کردن دانش آموزان به ورزش،
این درس از سال دوم با «بازی های منظم» آغاز می شد و از سال سوم به بعد
با «ورزش بدنی» ادامه می یافت.

برنامه یادشده در بالا «در صدویازدهمین جلسه شورای عالی معارف
مورخه ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ مطرح و با عقیده و پیشنهاد کمیسیون، مبنی بر این
که پرگرام مزبور زیاد و باید مواد ساده و سبکتری تدارک شود موافقت
نمود.» سپس «شورای عالی معارف» مقرر کرد «به دارالانشای شورای عالی
معارف اشعار شود در پرگرام تجدیدنظر و مواد سبکتر شود.» همان جا
دوباره تاکید شد که «معلم و مولف کتاب از حدود پرگرام خارج
نشوند.» (۱۳)

به این ترتیب در تیرماه همان سال، برنامه مذکور از سوی دارالانشای
شورای عالی معارف بازبینی و با حکم و اصلاحی چند دوباره تدوین
گردید.

در مقایسه ای که بین این برنامه و برنامه پیشین به عمل آمد، معلوم شد
اصلاحات انجام شده چندان مهم و چشمگیر نبود و در حد افزودن و
کاستن برخی از واژه ها و جمله ها به پایان رسید، جز آن که تدریس
فصلهایی از درسهای حساب و تاریخ و جغرافیا کنار گذاشته شد. مواد
برنامه اصلاح شده همچنان در مدرسه ها تدریس می شد و همه ساله با
توجه به دگرگونیهای سیاسی - اجتماعی جامعه، تغییراتی در آن به عمل
می آمد. سرانجام در دوران وزارت علی اصغر حکمت برنامه دیگری برای
«تحصیلات شش ساله ابتدایی در سیصد و پنجاه و نهمین جلسه شورای
عالی معارف، مورخ سه شنبه ۳۰ آذر ۱۳۱۶ به تصویب رسید» تا «به موقع
اجرا گذاشته شود.» (۱۴)

در این برنامه برخلاف برنامه پیشین در آغاز به هدفهای برنامه تحصیلی
اشاره ای مفید و قابل توجه شده است. این خود نشان می دهد مسئولان و
برنامه ریزان با شیوه های نوین برنامه ریزی آشنا شده و از خردمن علوم
تربیتی به ویژه روان شناسی رشد و روان شناسی یادگیری توشه ها
برگرفته اند. در این جا بی تردید نباید از نقش موثر و فعالانه افرادی مانند
دکتر علی اکبر سیاسی و عیسی صدیق غافل شد. البته بررسی نقش این گروه
فرنگرفته و نیز تاثیر دارالمعلمین و دارالمعلمات بر بهبود اوضاع آموزش و
پرورش کشور مجالی دیگر می خواهد و فرصتی مقتضی. به هر رو در
مقدمه این برنامه آمده است: «منظور اصلی از تعلیم ابتدایی که پیوسته باید
در نظر آموزگاران باشد» این است که: «نخست آن که دانش آموز در خواندن
و نوشتن توانا گردد و بتواند آن چه می خواهد بنویسد و بگوید و از مقدمات
حساب آن اندازه بهره برگیرد که در امور زندگانی به دیگران نیازمند نباشد.
دوم، آن که دانش آموز به نگاهداشت تندرستی خود و خانواده اش راغب
گردد و پیوسته بکوشد که حالت بدنی او از آن چه هست بهتر شود. سوم آن
که خردسالان برای عضویت زندگانی خانوادگی و اجتماعی آماده شوند و
عضو مفید و خدمتگزار جامعه گردند ... چهارم آن که اطفال با اخلاق نیک
و صفات پسندیده آراسته شوند و دوستار میهن و شاهنشاه باشند.»

در پایان ویژگی الگوپذیری شاگردان دوره ابتدایی را یاد آور می شود و
به آموزگاران سفارش می کند «که در تعلیمات اخلاقی تنها به بند و نصیحت
اکتفا نکنند، بلکه رفتار خود را سرمشق اخلاقی کودکان قرار دهند.»

در این برنامه نیز همچون گذشته «تعلیمات سال اول به جز فارسی
همه شفاهی است» و «مواد مذکوره برنامه را آموزگار باید در ضمن
مذاکرات و صحبت شفاهی به کودکان بیاموزد» همچنین معلم نباید از به
کارگیری آن چه امروز آن را مهندسی آموزشی می خوانیم دریغ ورزد و «در
موارد ضروری برای آموختن مطالب از تصاویر و اشکال و نقشه ها و کره
و دیگر آلات و ادوات دبستان استفاده نماید ...» راهکار دیگری که برای
سامان دادن به روش تدریس در برنامه بیان شده، نوشتن هدفهای رفتاری
هر درس است و نمایاندن شیوه هایی که معلمان را در رسیدن به آن اهداف
یاری می کند.

نکته های یاد شده در بالا نشان دهنده تاثیر نسبی انقلاب کپرنیکی
آموزش و پرورش در سازمان تعلیم و تربیت ایران است که بازرترین جلوه
آن همان دانش آموز محوری نسبی است که خود را در برنامه نمایان ساخته
است. این تغییر نگرش به دانش آموز و برنامه در موارد زیر نشان داده شده
است:

۱- آموزش قرآن: کنار نهادن شیوه مکتب خانه ای، یعنی خواندن همه
قرآن بدون فهمیدن معنی آن و جایگزینی شیوه ای دیگر، یعنی یاد دادن

«آیات منتخبه» آن هم با «ترجمه، به بیانی هر چه نزدیکتر به فهم نوآموزان»

۲- آموزش شرعیات: به جای انباشتن ذهن کودک از قوانین و دستورات فقهی «نظر در تدریس شرعیات» بر این قرار گرفت که «طفل از اصول و فروع مذهب به اندازه‌ای که از دایره فهم وی بیرون و با مصلحت کنونی او مخالف نباشد» اطلاع یابد. معلم نیز «در تعلیم اصول فقط به بیان معنی با عبارتی سهل و ساده اکتفا کند ... و تنها به دلیلهای حسی و روشن، مطلوب را در نظر نوآموزان واضح و ثابت گرداند.»

۳- قرائت فارسی: توجه برنامه‌ریزان به نقش «حکایات دلچسب و کودکانه» در بسامان کردن رفتار کودکان و این که «مطالب قرائت باید متناسب با ذوق کودک باشد.» همچنین آشنا کردن دانش‌آموزان با زیباییهای زبان فارسی از راه رعایت نشانه‌های سجاوندی «در خواندن جمله‌ها» و تناسب «آهنگ و تلفظ و طرز ادای جمله با معنی آن» و «مقدم داشتن کلمات فارسی بر لغات بیگانه» و یا دادن «لغات عربی آن اندازه که در زبان عمومی معمول است.»

۴- املاء: «در تعلیم املاء» گزینش «کلماتی که با محیط زندگانی و فهم اطفال سازگار و مناسب باشد» و نیاموختن «آن چه اندیشه نوآموزان به فهم آن نتواند رسید، یا در زندگی به کار نخواهد رفت.»

۵- انشاء: در وهله اول باید «وسیله‌ای باشد که فکر و بیان محصل بر وفق اصول صحیح پرورش یابد» به این جهت «موضوعها باید روشن و ساده و از نوع مشاهدات و افکار طفل باشد» نه «موضوعی که در توصیف آن دچار زحمت شود..»

۶- علم‌الاشیاء: در این درس هدف اصلی، بیدار کردن «حس کنجکاوی طفل است، نسبت به محیط خود» از این رو «لازم است که در هر شهرستان اقامتگاه طفل بیشتر اهمیت به موادی داده شود که بتوان در آن جا به شاگردان نشان داد...»

۷- دستور زبان فارسی: «منظور عادت دادن طفل به تکلم صحیح» است نه «حفظ کردن قواعد و اصطلاحات صرفی و نحوی ...»

۸- ریاضیات: «مقصود از تعلیم ریاضیات در مدارس ابتدایی آشنا شدن نوآموزان است به اصول و قواعد حساب و شناختن اشکال و احجام عمده هندسه ... به آن مقدار که در زندگانی عمومی محل احتیاج بوده و هر کس

در زندگانی خود از دانستن آن ناگزیر است ...»

۹- تاریخ: «از درس تاریخ ... فواید ذیل در نظر است: نخست آن که «اطفال رابطه میان گذشته و حال را» دریابند ... و بدانند آن چه نسل حاضر از خوب و بد انجام می‌دهند در چگونگی زندگانی و در نیک‌بختی و بدبختی آیندگان تاثیر خواهد داشت.» دو دیگر آن که «حس میهن پرستی در آنها ایجاد و تقویت گردد و افتخار و سرفرازی به گذشته پرشهامت ایران در نهاد آنها ملکه راسخه شود.» سه دیگر «قوه استدلال آنها پرورش یابد و برای فهم آثار نویسندگان بزرگ آماده شوند» بنابراین آموزگار نباید «تنها با حافظه کودکان سروکار داشته باشد، بلکه از حس و خیال و قوه تمیز و استدلال آنها نیز یاری جوید.» و در تدریس از «داستانها ... و مجسم کردن وقایع تاریخی به وسیله عکسها و تابلوها» استفاده کند.

۱۰- جغرافیا: «منظور ... آشنایی محصل با چیزهایی است که در محیط زندگانی عمومی واقع شده و همه کس از آن مایه دانش ناگزیر است.» البته مدارس وظیفه دارند «هریک از موضوعات جغرافیایی را حتی الامکان به شاگردان بنمایند» و معلمان نیز «شاگردان را به کشیدن نقشه‌های جغرافیایی ... عادت دهند.»

۱۱- نقاشی: کوشش برای «پرورش ذوق نقاشی» در کودکان زیرا از این راه می‌توانند افکار خود را ابراز کرده و از زیباییهای هنر نیز لذت ببرند.

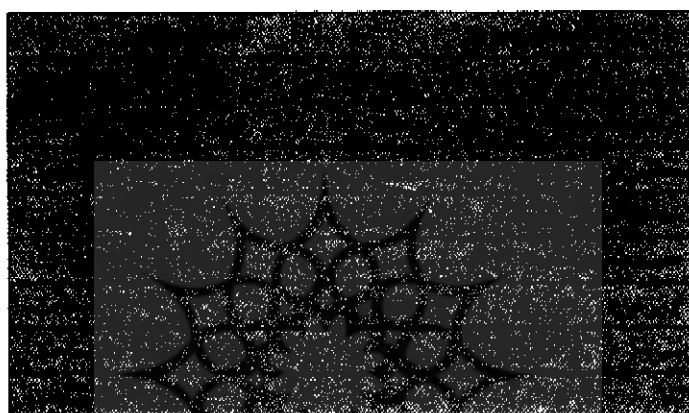
۱۲- تربیت بدنی: «منظور از تربیت بدنی طفل تقویت عضلات و قوای جسمانی و روحانی و تناسب اعضاء و اندام و چابک شدن در کارها و بالتبینه سلامت بدن و مزاج اوست.»

با این همه در برنامه تفصیلی، سرفصلهای مواد درسی تفاوت چندانی با سرفصلهای برنامه سال ۱۳۰۶ نداشت. جز آن که برنامه درس تاریخ قانونمندتر و منظم‌تر گردید. بدین سان در تاریخ پیش از اسلام از سلسله کیانی تا ساسانی و تاریخ پس از اسلام از صفاریان تا پهلوی، پس از آن که دانش‌آموزان آگاهیهای کوتاهی درباره این سلسله‌ها به دست آورند با زندگی یک یا دو پادشاه از هر سلسله نیز آشنا می‌شوند در این برنامه، تاریخ ادبیات نیز با تاریخ سیاسی توأم گشته و از هر دوره، نام و یاد یکی از بزرگان علم و ادب به میان می‌آید.

جدا شدن برنامه تحصیلی پسران و دختران از یکدیگر، ویژگی دیگر این برنامه است. بیشتر مواد درسی و سرفصلها در این دو برنامه یکسان است، فقط مطالب درس بهداشت (حفظ‌الصحه) دو برنامه، مانند هم نیست. درس خیاطی و کارهای دستی نیز مختص دختران بود.

برای شریعت منظور نشده است. البته حجم زیادی از مطالب قرائت فارسی به آموزه‌های دینی اختصاص یافته بود.

جدولهای زیر «ساعات هفتگی مواد برنامه» را در دبستانها نشان می‌دهد. در برنامه تفصیلی برای درس شریعت سال اول تا ششم سرفصلهای جداگانه‌ای نوشته شده، ولی در جدول زیر ساعت ویژه‌ای



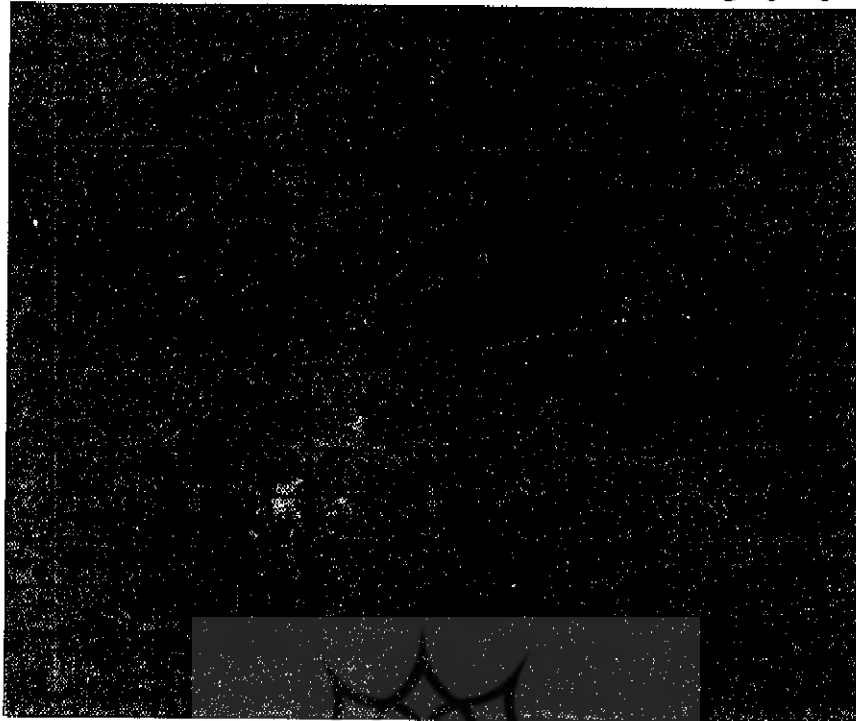
آموزش متوسطه

در سازمان اسناد ملی ایران، کهن‌ترین سندی که برنامه آموزش متوسطه را نشان دهد، برنامه‌ای است تفصیلی که برای دوره اول دبیرستان در ۲۰ دلو [بهمن] ۱۳۰۲ ش. نوشته شده است. (۱۵) سال بعد، هنگامی که نظام‌الدین حکمت (مشارالدوله)، کفیل وزارت معارف بود، برنامه مزبور اصلاح و تکمیل شد و برنامه دیگری هم برای دوره دوم دبیرستان ضمیمه آن گشت که در جدول زیر به تفکیک دو دوره آمده است. (۱۶)

دوره اول، چهار سال بود که سال اول آن، سال تهیه خواننده می‌شد. دوره دوم از سه سال تشکیل می‌شد. در مجموع دوران آموزش متوسطه هفت سال طول می‌کشید. گفتگو درباره بازتاب علوم پایه و شاخه‌های مختلف علوم جدید در برنامه تحصیلی و اثر آن بر تکوین و گسترش اندیشه علمی، مجالی در خور می‌طلبید. در این جا فقط به بررسی درسهای ادبیات فارسی، تاریخ و فقه در برنامه تفصیلی بسنده می‌کنیم و به مقایسه

آن با برنامه بعدی می‌پردازیم.

درس فارسی شامل قرائت، انشاء، دیکته و دستور زبان بود. برای قرائت «قطعات منتخبه از نظم و نثر فصحا و شعرای معروف با توجه به معانی لغات و فهم مقصود، حفظ بعضی از قطعات خوانده شده» در برنامه گنجانیده شده بود که تدریس آن در هر چهار سال الزامی بود. «صورت کتب قرائتی فارسی» نیز که سرفصلهای مزبور می‌بایست از روی آنها تدریس شود چنین بود: «تمام گلستان به استثنای باب پنجم، بوستان به تمامه، منتخبات از شاهنامه، خصوصاً از داستانهای ذیل: هفت خوان رستم، داستان بیژن، قصه سیاوش، داستان سهراب، داستان رستم و اسفندیار. قطعات منتخبه از رودکی، عنصری، مسعود سعد ستایی، منوچهری، مولوی، خاقانی، حافظ. منتخبات از کلیله و دمنه و مناشات قائم مقام و کتب معتبره از قبیل تاریخ بیهقی، مرزبان‌نامه، قابوس‌نامه، تاریخ کرمان.» همان گونه که در برنامه‌ریزی ابتدایی اشارتی رفت، این برنامه نیز نشان



تاریخ: در این درس به شیوه تاریخ‌نگاری مورخان اسلامی که نوشتن تاریخ را از زمان حضرت آدم (ع) آغاز می‌کردند و به رویدادهای زمان خود پایان می‌دادند، سرفصلها نوشته شده است. با این تفاوت که در برنامه تفصیلی به پیروی از تاریخ‌نگاری مورخان غربی، تاریخ از «ازمنه قدیمه و ازمنه ماقبل تاریخ به طور عموم» آغاز می‌شود و با تدریس تمدنهای باستانی ادامه می‌یابد. فهرست تفصیلی سرفصلها چنین است:

سال تهیه: ازمنه قدیمه. ازمنه ماقبل تاریخ به طور عموم. ازمنه ما قبل تاریخی ایران. تاریخ ممالکی که دولت هخامنشی از آن تشکیل یافته (مصر، کلد، آشور، فلسطین و بنی اسرائیل، فینیقیه، لیدی، ذکر اختصاصات جغرافیایی و اصول وقایع تاریخی و تمدن هر مملکت) اختصاصات جغرافیایی ایران، نژاد ایرانی و دین زردشتی. تاریخ ایران به روایت مشرق زمین (پیشدادیان و کیان) خیلی به اختصار، دولت ماد، هخامنشی، سلاطین بزرگ و تمدن هخامنشی. یونان - اختصاصات جغرافیایی. ازمنه تاریخی دوره همر - یونانیهای آسیا و آتن و اسپارت، کلتهای یونانی، جنگهای مدیک، قرن پریکلس و ادبیات و صنایع مستظرفه و حکمت تا زمان اسکندر، مقدونیه، فیلیپ و اسکندر. انقراض دولت هخامنشی و اختلاط

می‌دهد از نظر برنامه‌ریزان، یادگیری چیزی نبود جز دستیابی و نگهداری دانشها، مهارتها، بینشها و گرایشهای بازمانده از پیشینیان. بنابراین وظیفه نهادهای آموزشی حفظ و نگهداری همان گنج شایگان فرهنگ و تمدن قوم است و انتقال آن به نسلهای جوان. چنین بود که دانش آموزان این همه را باید به خاطر می‌سپردند و به نوبه خود آن را به نسل بعدی می‌دادند.

در درس فقه نیز علاوه بر حجم فراوان آن چیرگی بیش فقهی از اسلام بر دیگر آموزه‌های بنیادین دینی آشکار است. اما برنامه تفصیلی فقه: سال تهیه: اطمعه و اشربه محله و محرمة. صید و ذباحه. احکام و انواع معاملات، حرام و حلال آن. سق و رمایه.

سال اول: احکام بیع و شری. اقسام خیارات. شفعه. احکام قرض و رهن و ضمان و کفالت و حواله. صلح و وقف و حبس و هبه. اجاره و شرایط آن.

سال دوم: تجارت. مضاربه و مزارعه و شرکت. احیای موات و متروکات. احکام لقطه و ضاله. نذر و عهد و قسم. احکام غضب.

سال سیم: قضا و شهادت. باب ارث به اختصار. مختصری از حدود و کفارات و قصاص و دیات.»

تاریخ مشرق و مغرب، هلنیسم از مشرق، تجزیه دولت اسکندر، اسکندریه و اهمیت آن، خلفای اسکندر.

سال اول، ایران: سلسله اشکانی و ساسانی (سلاطین بزرگ)، وقایع مهمه، تمدن زمان هر یک از دو سلسله). دولت عرب - عربستان و قوم عرب، ظهور اسلام، خلفا، فتوحات عرب، تمدن اسلامی. دولت رم - اوضاع ایتالیا قبل از تاسیس دولت رم، تبدیل رم به جمهوری و ترتیب دولت جمهوری، فتوحات زمان جمهوری، تغییرات مهمه داخلی از حیث حقوق و قوانین و عادات و اخلاق، تبدیل جمهوری به دولت امپراطوری، قیصر و امپراطورهای بزرگ، ترتیب دولت امپراطوری و تمدن و عقاید و اخلاق در زمان امپراطوری، تغییرات مهمه در اواخر دولت رم، استیلای ژرمنها، انقراض رم غربی.

سال دوم، ایران: سلسله‌های بزرگی که از تجزیه دولت عرب تشکیل یافته، آداب و اخلاق و تمدن و زبان و ادبیات و رجال بزرگ ایران قبل از مغول، استیلای مغول و خرابی ایشان، سلاطین بزرگ مغول، فترت بین مغول و تیموریان، استیلای امیر تیمور و سلسله تیموریان، اروپا: شروع قرون وسطی و تنزل تمدن، تشکیل دولت شارلمانی و تنزل آن، ملوک‌الطوایف، ترتیب شوالری، قدرت پاپ و تشکیل دولت امپراطوری آلمان، جنگهای صلیبی و اثر آن در تمدن اروپا، وضع دول اروپا در آخر قرون وسطی، تمدن قرون وسطی و ترقی آن در مائه سیزدهم، اکتشافات و اختراعات بزرگ، انقراض رم شرقی و ختم قرون وسطی و نشر معارف یونانی در اروپا، اکتشافات جغرافیایی (کشف راه هندوستان از مشرق، کشف امریکا، مسافرت ماژلان) تشکیل دولت اسپانی و اخراج اعراب از اندلس، رقابت خانواده فرانسه و اطیش خیلی به اجمال، تجدید ادبی و صنعتی، ظهور مذهب پروتستان، جنگهای سی ساله به اجمال، تاریخ انگلیس از ابتدای تاسیس آن دولت تا سلطنت گیوم دانتز خیلی به اجمال جز آن چه راجع به مشروطیت انگلیس است که مبسوط تر باید گفته شود.

سال سیم، ایران: فترت بین تیموریان و صفویه، سلسله صفویه و تاسیس این سلسله، شاه اسماعیل اول و شاه عباس اول (وقایع مهمه با ذکر اسم سلاطین و تمدن صفوی) فتنه افغان، نادرشاه، کریم خان زند، سلسله قاجاریه به اجمال. اروپا - ترتیب مرکزیت و قوت دولت فرانسه، لونی چهاردهم و پلنیک داخلی و خارجی او، تاسیس دولت روس (پترکبیر و کاترین دوم)، تاسیس دولت پروس، تغییر وضع اطیش در مائه هیجدهم، اوضاع فرانسه در مائه هیجدهم، اوضاع انگلیس در مائه هیجدهم، جنگ استقلال اتازونی، کشمکش فرانسه و انگلیس بر سر مستملکات و ترتیب کلنهای اروپایی در قرون جدید و تصرف هندوستان، علوم و ادبیات و صنایع مستظرفه در کلیه ممالک اروپا در مائه هفدهم و هیجدهم، شورش فرانسه و امپراطوری ناپلئون و کنگره وینه و تغییرات بزرگ دول اروپا در

مائه نوزدهم به طور اجمال، پلنیک دول اروپا در خارج اروپا، استقلال ممالک لاتین امریکا، ژاپن و چین و مسئله شرق اقصی، جنگ بین المللی و نتایج آن.

اما دوره دوم متوسطه از دو «شعبه ادبی و شعبه علمی» تشکیل شده بود. در فارسی شعبه ادبی دانش آموزان باید درسهای زیر را فرامی گرفتند: سال چهارم «یک دوره علم بدیع، تاریخ شعرا و فصحای معروف». سال پنجم «مختصری از علم عروض و قافیه، شرح احوال و تاریخ شعرا و ادبا، نظر اجمالی به تاریخ ادبیات و مقایسه نظم و نثر هر قرن با قرن دیگر».

سال ششم «تکمیل اطلاعات راجع به علم بدیع، عروض و قافیه، شرح حال شعرا و فصحا، انتخاب قطعات مشکله مناسب و حفظ بعضی از آنها». افزون بر زبان و ادبیات فارسی، دانش آموزان هر دو شعبه ادبی و علمی سه زبان بیگانه را نیز می بایست بخوانند. فرانسه و عربی اجباری بود و زبان سوم اختیاری که از میان سه زبان انگلیسی و روسی و آلمانی، انتخاب می شد.

فقه:

سال چهارم «عبادات»

سال پنجم «معاملات» و سال ششم «احکام» کتاب درسی نیز برای هر سه سال کتاب مختصر نافع انتخاب شده بود.

تاریخ: سرفصلهای تاریخ همان سرفصلهای دوره اول است با شرح و تفصیل بیشتر. البته در سال پنجم تاریخ اسلام به طور مبسوط «متضمن سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله و احوال خلفای راشدین با ذکر ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین و فتوحات عرب و تمدن اسلامی و وضع دولت اموی و عباسی ...» تدریس می شد. تاریخ اروپا نیز در سال پنجم و ششم به طور مفصل از «استیلای ژرمنها ... تا حال حالیه اروپا و امریکا و استرالیا و شرق اقصی از حیث پلنیک و ترقی و تمدن» بنا بر سرفصلهای تصویب شده می بایست تدریس و خوانده می شد.

دروس شعبه علمی

فارسی، سال چهارم: «مختصری از علم بدیع، تاریخ بزرگترین شعرا و فصحا به طور اختصار». سال پنجم: «اطلاعات بسیار مختصر از علم عروض و قافیه و قطعات منتخبه» سال ششم: «قرائت و املا کتب مشکله»

فقه، سال چهارم: «عبادات». سال پنجم «معاملات». سال ششم «احکام». کتاب درسی برای هر سه سال «از روی تبصره علامه». تاریخ، سال چهارم: «ایران از ابتدای صفویه تا زمانها. اروپا: تاریخ جدید و معاصر با توجه مخصوص به ذکر پیشرفت علوم و ادبیات و صنایع مستظرفه، جنگ بین المللی، اوضاع حالیه ملل معظمه».

جدول تقسیم ساعات

دوره دوم متوسطه

ردیف	نام درس	حداقل ساعات در هفته						حداکثر ساعات در هفته								
		شعبه فنی			شعبه علمی			شعبه فنی			شعبه علمی					
		فنی	تجربی	تئوری	فنی	تجربی	تئوری	فنی	تجربی	تئوری	فنی	تجربی	تئوری			
۱	فارسی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲	عربی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	ریاضی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴	زبان خارجه	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۵	تفکر	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۶	جغرافی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۷	تاریخ	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۸	حقوق	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۹	عاشقانه	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۰	علوم طبیعی	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۱	فلسفه	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۲	زیست	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
		مجموع ساعات در هفته						مجموع ساعات در هفته								
		۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸

ادبی توام باشند موادی تهیه شود. نویسنده برنامه در نامه‌ای خطاب به رئیس کل معارف «معایبی که در پرگرام سابق تاریخ به نظرش رسیده بود چنین برشمرد:

- ۱- عدم تعادل تقسیم صحیح مواد بین کلاسها» به گونه‌ای که «در سالهای اول مواد تاریخ به اختصار ذکر شده و در سالهای آخر چون خیلی از مواد باقی مانده، لهذا تمام را یک مرتبه به سالهای آخر تحمیل کرده‌اند.»
- ۲- در پرگرام سابق خیلی از مواد تکرار شده بود ... و معلم خود را

جدول برنامه درسی مذکور نشان می‌دهد درسهای دو شعبه ادبی و علمی مواد مشترک و اختصاصی‌ای را در برمی‌گرفت که در هر دو شعبه، تقریباً ۵۳/۵۷٪ از کل برنامه را مواد اختصاصی تشکیل می‌داد و بقیه به مواد عمومی اختصاص داشت.

این برنامه به همین شکل باقی نماند و چندبار حک و اصلاحاتی در آن اعمال گردید. در مرداد ۱۳۰۶ «پرگرام تاریخ دوره شش ساله متوسطه» بار دیگر مورد تجدیدنظر قرار گرفت، و قرار شد «به نوعی که قسمت علمی و

مجبور می‌دید، همان موادی را که محصل در سالهای پیش دیده مجدداً برای او تکرار نماید...»

۳- به مناسبت توأم شدن قسمت علمی و ادبی و تحمیلاتی که به محصل می‌شود بعضی از مواد غیر مهمه [در برنامه جدید] حذف شده است.»

۴- بعضی از موادی که دانستن آنها ضروری است و در پرگرام سابق قید نشده بوده است، مختصراً ذکر شده است.»

اطناب و حجم زیاد مطالب برنامه، ایراد اساسی برنامه جدید بود. پیداست در چنین برنامه‌ای نه معلم فرصت تجزیه و تحلیل رویدادها را دارد و نه دانش‌آموز راه اندیشه‌ورزی را خواهد آموخت و با پیش تاریخ آشنا خواهد شد. میوه‌های این سبک تاریخ‌آموزی را به خوبی می‌توان در سنت تاریخ‌نویسی مورخان و تاریخ‌گران ایرانی مشاهده کرد.

درس فقه نیز در همین سال یعنی سال ۱۳۰۶ مورد بازبینی قرار گرفت که نتیجه آن را عیسی صدیق اعلم در نامه‌ای به دایره تعلیمات وزارت معارف چنین بیان کرد:

«نظر مقام منبع وزارت راجع به فقه دوره متوسطه این است که در دوره اول همان موادی که هست تدریس شود، به استثنای حدود، کفارات، قصاص و دیات و در دوره دوم مواد دوره اول مسوئلاً تکرار شود...» (۱۷)

در سال ۱۳۱۰ ش. که آموزش متوسطه به دو دوره سه ساله تقسیم گردید، لازم آمد تا برای هر دوره برنامه جدیدی نوشته شود. همان‌گونه که در برنامه دوره ابتدایی گذشت، برنامه‌های این دوره نشان می‌دهند برنامه‌نویسان تا اندازه زیادی از دیدگاه‌های سنتی خود دور شده بودند و به روشهای جدید برنامه‌ریزی نزدیک.

یکی از دیگر گونیه‌های مهمی که در برنامه‌نویسی مواد درسی به وجود آمد، تغییر برنامه در آموزش دین بود. عنوان فقه به «تعلیمات دینی» بدل شد و به جای آموختن احکام و قوانین فقهی فراگیری این مواد معمول شد:

۱- «اصول دین (توحید، نبوت، معاد) آن هم «با استفاده از قرآن و همان نحو استدلال [قرآنی] نه به طریق متکلمین.

۲- «حفظ آیاتی از قرآن که راجع به مکارم اخلاق و حکم و مصالح جامعه باشد با معنی.»

۳- «لزوم و وجود عبادت معبود تعالی.»

۴- «اشاره به حقیقت عبادات و نتیجه‌ای که عبادات در تنزیه و تصفیه اخلاقی بشر دارد.»

۵- «فقه مطابق قانون مدنی.» (۱۸)

دور نیست رویکردی این چنین به آموزش قرآن و تعلیمات دینی، بازتاب گفتمان‌نوگرایی دینی‌ای بوده باشد که در آن هنگام در چهره مردانی مانند ابوالحسن فروغی و شریعت سنگلجی و نوشته‌های نشریاتی همچون نمایون جلوه گر شده بود.

در سال ۱۳۱۲ دو برنامه تازه برای دو درس فارسی و تاریخ به منظور تدریس سرفصلهای آن در کلاس اول تا سوم دوره اول متوسطه نوشته شد که در همان هنگام این دو برنامه به ترتیب از سوی بدیع‌الزمان فروزانفر و نصرالله فلسفی برای تدریس در سال چهارم و پنجم دوره دوم متوسطه تکمیل و تدوین گردید. ویژگیهای هر یک از این دو برنامه به شرح زیر است:

فارسی: سرفصلهای این درس نسبت به برنامه‌های پیشین تا اندازه‌ای تعدیل و از حجم مواد کاسته شده بود. «قرائت قطعات منتخب» همه از متون کلاسیک ادب فارسی بود که این همه دیری نپایید و پس از آن جزو مواد درسی دانشکده ادبیات درآمد که تدریس آن مواد تا به امروز نیز در رشته ادبیات فارسی دانشگاههای سراسر کشور ادامه یافته است.

در تبصره‌ای که ذیل برنامه نوشته شده آمده است: «معلمین باید در تدریس این مواد نکات ذیل را رعایت کنند.» و این نکات، همه نشان می‌دهد، برنامه‌ریزان به زعم خویش از گرایشهای سنتی در امر تدریس ادبیات فارسی دوری گزیده و به برآوردن نیازهای زمانه و ذوق و خواسته دانش‌آموزان جوان نزدیک شده‌اند. اما نکات مزبور عبارتند از:

۱- برای قرائت از نظم و نثر آن چه برای زندگانی مادی و معنوی محصلین (از خداشناسی و اخلاق پاک و وطن پرستی) مفید باشد انتخاب کنند، یا رعایت حال محصلین.

۲- در تدریس آن قطعات محصلین را به موقع استعمال لغات و طرز استعمال جمل و معنای خاصه آنها و مراد گویند متوجه سازند ... و آنان را به استخراج مفاد ... مکلف گردانند چندان که ملکه استخراج و استنباط مقاصد ادبا به فراخور تحصیلات خود برای ایشان حاصل گردد.

۳- برای املا لغاتی را که مورد حاجت و در استعمال شایع است ... بر لغات مهجور مقدم دارند و حتی الامکان از املا لغات بیگانه ... اجتناب کنند.

۴- در تعلیم انشاء، ورزش فکر محصلین را منظور دارند و ابتدا موضوعهای انشا را از محسوسات و آن چه فکر محصلین بدان محیط تواند شد انتخاب کنند و چندان که در تحسین و درست کردن الفاظ محصلین می‌کوشند در معانی نوشته‌های آنان نیز نظر داشته باشند و آنان را به حفظ روابط افکار و تناسب اجزای موضوع در حد استعداد و قوه ایشان متوجه گردانند و تا ممکن است سعی کنند که محصلین در هر موضوع به ابداع فکری موفق گردند و ...» (۱۹)

تاریخ - با ورود افرادی مانند نصرالله فلسفی در جرگه برنامه‌نویسان، درس تاریخ دوره متوسطه هم علمی‌تر شد و دست کم از افسانه به کلی جدا گردید و هم با خواسته‌های فرهنگی نظام حاکم بیشتر هماهنگ شد. ویژگیهای این برنامه که در برنامه‌های پیشین کم‌تر نشانی از آنها دیده می‌شود چنین است:

۱- دسته‌بندی منظم وقایع تاریخ و حفظ توالی آنها.

۱۲- شرح «تاریخ تمدن و علوم و ادبیات ایران و اوضاع اداری و اجتماعی مملکت» در دوره‌های مختلف.

۱۳- «ترقیات ایران در دوره معاصر» (۲۰)

در واپسین سالهای حکومت رضاشاه، برنامه دیگری برای «تحصیلات دوره کامل متوسطه» نوشته و تدوین شد. (۲۱) این برنامه که در آذرماه سال ۱۳۱۷ از سوی شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید، نمایانگر آخرین تلاشهایی است که برای اصلاح آموزش متوسطه به انجام رسید. به موجب این برنامه که سخت متأثر از اصلاحات نوگرایانه آن روزگار بود، آموزش متوسطه که از پیش به دو دوره سه ساله تقسیم شده بود، سال آخر آن جنبه اختصاصی پیدا کرد و سه «شعبه ادبیات، ریاضیات و طبیعیات» را در بر گرفت. در دو جدول ذیل مواد درسی و ساعت تدریس هر درس در هفته از سال اول تا ششم به تفکیک دوره عمومی و دوره اختصاصی آمده است: مقدمه برنامه، همان مقدمه‌ای بود که برای برنامه سال ۱۳۱۲ نوشته شده بود با اندکی تغییر از جمله «برای قرائت فارسی از نظم و نثر» باید مطالبی گزینش شود که «برای دانش آموزان سودمند» افتد. «خداشناسی و اخلاق پاک و مهین دوستی» از جمله مطالب سودمندی بود که در برنامه‌های پیشین

۲- نوشتن مدخلهای جدید به شرح ذیل در آغاز سرفصلها: تاریخ ایران، تاریخ عالم، تاریخ ایران و عرب، تاریخ ممالک بزرگ اروپا در قرون جدید، تاریخ عمومی در قرون معاصر.

۳- آغاز تاریخ ایران با «ورود نژاد آریا به سرزمین کنونی ایران».

۴- بیان «قوت مذهب زرتشت».

۵- به میان آمدن اصطلاح «استیلای عرب».

۶- ارجح نهادن به تمدنهای بشری.

۷- بیان «تمدن، وضع حکومت، مذهب و صنایع در دوره‌های مختلف تاریخ ایران».

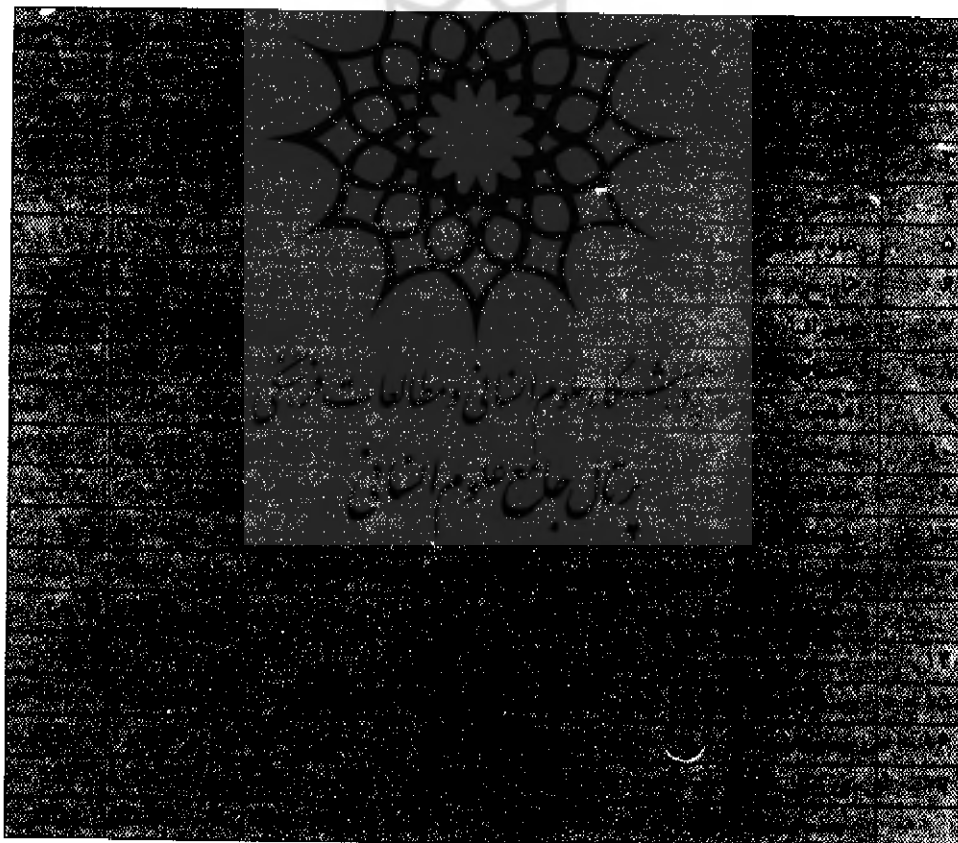
۸- حذف «شرح حال سلاطین و جنگها و افسانه‌های ممالک دنیای قدیم، چراکه «از لحاظ تاریخی به درد محصل نمی‌خورد».

۹- تکیه بر «روش و طرز سیاست ... رجال و سلاطین» در تاریخ معاصر جهان.

۱۰- «ذکر مفصل تاریخ روم ... و کمال اهمیت دادن به طرز حکومت

دوره جمهوری و امپراطوری و علوم و ادبیات و صنایع آن مملکت».

۱۱- طرح «موضوع مستعمرات و رقابت‌های مستعمراتی دول»



● اصل: ۲۷ ● اصل: ۳۴

جدول تقسیم ساعات دروس سال ششم متوسطه

شعبه ادبیات	شعبه ریاضیات	شعبه طبیعیات	شعبه هنر
۵	۲	۲	فلسفه
۶	۳	۳	ادبیات و زبان فارسی
۵	-	-	گرمی
۳	-	-	تاریخ (یک ساعت تاریخ تمدن)
۳	-	-	جغرافیا
۶	۶	۶	زبان خارجه
-	۱۱	۲	ریاضیات و رسم
-	۹	۶	فیزیک و شیمی و مکانیک
-	-	۶	تاریخ طبیعی
۲۸	۳۱	۲۷	جمع ساعات دروس
۲	۲	۲	ورزش
۴	۳	۳	تعلیمات نظامی
۳۳	۳۶	۳۲	جمع کل ساعات

حرفه ... تولید محصول به حد افراط و فروش نرفتن قسمتی از آن ... تولید رقابتهای اقتصادی و سیاسی بین کشورهای اقتصادی - سرمایه داری و نهضتهای اجتماعی و تاریخی آنها. مسئله استعمار ... روی کار آمدن معالک اقتصادی جدید ... کشمکش بر سر تصرف بازارهای تجارتمی و مستعمرات، تاثیرات جنگ بین المللی در اوضاع اقتصادی عالم ... تاریخچه جامعه ملل ... روسیه جدید از لحاظ اقتصادی، بحران سیاسی و اقتصادی حالیه دنیا... تاریخچه آشنا شدن ایران به معارف اروپایی ... تاریخچه بنگاه های جدید در ایران ... معارف اروپایی در ایران ... مختصری از روابط ایران با کشورهای خارجه از ابتدای مشروطیت به بعد، تاریخچه نهضت اخیر».

ساختار نظام آموزش متوسطه ای که شرح آن گذشت، اقتباسی بود از برنامه های درسی، سازماندهی و روش اداره مدارس در فرانسه. (۲۲) نقد سازمان آموزش و پرورش در ایران، به ویژه آموزش متوسطه به آگاهیهای بیش از این نیازمند است. اما آن چه مسلم است، آموزش و پرورش نوین در غرب که در پرتو آن چنین پیشرفتهای سترگی نصیب جامعه انسانی گردید، پشتوانه علمی و فلسفی خاص خودش را داشت. دریافت و فراستدن شیوه آموزشی غرب، بدون توجه به پشتوانه های فکری آن چنان شتاب زده و خام بود که حتی بعدها هم با گسترش آموزش عالی، نتوانست به ژرفای دانش و فن آوری غرب دست یابد و فقط به فرا گرفتن کاربرد آن به گونه ای نارسا بسنده کرد. اصلاً مهم ترین و اصلی ترین هدف آموزش متوسطه در دوره رضاشاه تدارک و تربیت کارمند بود برای انجام خدمات دولتی. (۲۳) بعد هم که دانشگاه تهران تاسیس شد (۱۳۱۳) و مراکز آموزش عالی به تدریج در شهرهای بزرگ کشور گسترش یافت. آموزش متوسطه

آمده بود. این بار «شاه پرستی» و «کوشش و کار» نیز به آن افزوده گشت. دیگر این که روش پژوهش ایران شناسان غربی درباره ادبیات فارسی، در برنامه منعکس شد و برنامه ریزان را بر آن داشت تا در «تدریس تاریخ ادبیات» به معلمان سفارش کنند «پس از دقت در اوضاع علمی و سیاسی و چگونگی اسلوب تعلیمات در هر عهد به طریقی کلی، تاثیر آنها را در افکار ادبا و شعرا و پیشرفت علوم و فنون خاطر نشان دانش آموزان نمایند و نیز در شرح حال هر یک از ادبا، رابطه افکار آنان را حتی الامکان با حوادث زندگی ایشان در نظر بگیرند ...»

برنامه تفصیلی نیز تقریباً همان برنامه ای بود که پیش از این، از سال ۱۳۱۲ به بعد باید اجرا می شد. با این تفاوت که برای نخستین بار درس آموزش نظامی برای سه سال دوره دوم برقرار گردید که سرفصلهای آن به تفصیل در برنامه آمده است. برای دروسهای فیزیک و شیمی و مکانیک سال ششم شعبه ریاضی و طبیعی دو ساعت کار در آزمایشگاهی اختصاص یافت. روخوانی قرآن و تعلیمات دینی به کلی از برنامه حذف گردید و آموزش دین منحصر شد به همان مطالب کلی مندرج در قرائت فارسی. در درس تاریخ از حجم سرفصلها قدری کاسته شد و جابه جاییهایی به انجام رسید. برای نمونه، سرفصلهای درس ساسانیان که پیش از این در سال اول تدریس می شد از برنامه آن کلاس برداشته شد و جزو برنامه درسی سال دوم به شمار آمد. همچنین مدخلهای تازه ای مانند «فتو دالیه و مقدمات تشکیل دول معظمه اروپا تا انقلاب کبیر فرانسه» به سرفصلهای درس تاریخ عالم افزوده گشت. در درس تاریخ سال ششم شعبه ادبیات، یک ساعت به درس تاریخ تمدن اختصاص یافت که عمده سرفصلهای آن چنین است: «تعریف تمدن ... خصایص تمدن جدید ... آزادی افکار و



- ۶ - آرشیو وزارت امور خارجه، کارتن ۲۸، پرونده ۱۳۳۴، ۳۸.
- ۷ - در این باره بنگرید به: مرضیه یزدانی، تاسیس دارالسلطات و تحصیلات بانوان، فصلنامه گنجینه، همین شماره
- ۸ - سازمان اسناد ملی ایران، همان
- ۹ - مسعود برزین، شناسنامه مطبوعات ایران، انتشارات بهجت (تهران، ۱۳۷۱)، ص ۴۴
- ۱۰ - سازمان اسناد ملی ایران، همان
- ۱۱ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد آموزش و پرورش، سری ب، ۸۸۳-۵۱۰۱۲
- ۱۲ - برای تفصیل در این باره، بنگرید به: محمود طاهر احمدی، ادبیات کودکان و نوجوانان از فسانه اطفال تا تعلیمات ابتدائی، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۹، بهار ۱۳۷۷، ص ۷۷
- ۱۳ - سازمان اسناد ملی ایران، همان، سری الف، ۱۱۲۰-۵۱۰۱۲
- ۱۴ - برنامه (پروگرام) تحصیلات دبستانهای پسران و دختران، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، صص ۴۷-۱
- ۱۵ - سازمان اسناد، همان، ۱۰۶۳-۵۱۰۱۲
- ۱۶ - همان، سری ب، ۸۹۰-۵۱۰۱۲
- ۱۷ - همان، سری ب، ۸۸۳-۵۱۰۱۲
- ۱۸ - همان، سری الف، ۱۱۳۰-۵۱۰۱۲
- ۱۹ - همان، ۱۰۹۲-۵۱۰۱۲
- ۲۰ - همان، ۱۰۹۵-۵۱۰۱۲
- ۲۱ - همان، ۸۹۰-۵۱۰۱۲
- ۲۲ - عیسی صدیق، آموزش و پرورش، دانشنامه ایران و اسلام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (تهران، ۱۳۵۶)، ج ۱، ص ۱۹۵
- ۲۳ - در این باره بنگرید به: احسان نراقی، نگاهی به تجربه آموزشی مدرن در ایران، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۴، ص ۷۱

افزون بر تحقق هدف پیشین، وظیفه خود دانست دانش آموزان را برای ورود به دانشگاه آماده نماید. در این میان تربیت افراد دانا و آگاه برای دستیابی به شغل و کار سازنده به فراموشی سپرده شد. در حالی که آموزش متوسطه در نظامهای آموزش و پرورش نوین، بخشی از فرصتهای آموزشی است که در طی آن، دانش آموزان ضمن آشنایی با سرمایه‌های فرهنگ ملی و دانش و تجارب بشری، مجالی می‌یابند تا استعدادهای پنهان خود را بروز داده و به فعلیت برسانند. این است که هدفها، نوع رشته‌های تحصیلی، مواد درسی و روشهای تدریس، همه باید با توجه به ویژگیهای نوجوانان و جوانان، ارزشها و نیازهای روزافزون جامعه تعیین و طراحی شود.

پانوشتها:

- ۱ - علی علاقه‌بند، مقدمات مدیریت آموزشی، موسسه انتشارات بهجت، (تهران، ۱۳۷۱)، صص ۱۶۷-۱۶۸
- ۲ - فلسفه آموزش و پرورش، سازمان کتابهای درسی، انتشارات کتابهای جیبی، (تهران، ۱۳۵۵)، ص ۳۲
- ۳ - درباره مکتب‌خانه‌های بنگرید به: احمد شلی، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (تهران، ۱۳۶۱)، صص ۴۰-۴۵
- ۴ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد آموزش و پرورش، سری الف، ۳۱۷۶-۵۱۰۱۷
- ۵ - سالنامه و آمار و مجموعه قوانین و مقررات فرهنگی، (۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش) وزارت فرهنگ، قانون اساسی فرهنگ، صص ۴-۱

دختر مهم موم در میان مدرک

از درستی حکمت ایران خواسته است در سلسله سر شکر شایع نماید تا بقانون نورانی که این شکر با حکمت موم درستی
تعمیرت در حکم دادند بر یکدیگر بطریق رانی برین مدار میباشند هم در تمام مدار حکمت است این از درستی و درستی
دن بر یکدیگر هم در میان بر این مدار میباشند هم در تمام مدار حکمت است این از درستی و درستی
موم در میان مدرک خطار نموده در این امر خود است

۱) بر یکدیگر بستند در این امر بر یکدیگر حکمت و عدل و موم و موم شایع و در تمام مدار حکمت است این از درستی و درستی
خوبه آفرینش هم در میان بر این مدار میباشند هم در تمام مدار حکمت است این از درستی و درستی
دیده است خواهد بود

چون قبر شاکر در تمام دست مار یکدیگر در این مدار حکمت و عدل و موم و موم شایع و در تمام مدار حکمت است این از درستی و درستی
موم در میان مدرک خطار نموده در این امر خود است

۲) موم در میان مدرک خطار نموده در این امر خود است
۳) موم در میان مدرک خطار نموده در این امر خود است
۴) موم در میان مدرک خطار نموده در این امر خود است



دن مدرک خطار نموده در این امر خود است ۱۳۳۰